

Шеъри Наврӯз Алӣ Собитӣ ба муносибати 67-умин солгарди ба тахт-нашӣ-и Нур Мавлоно (11 ҷулои Шоҳ Карӣм Ал-Ҳусайнӣ, имоми ҳозир (Июл) мусодиф ба 67 амини солгарди тахти 06 июли 2024 || 16 Саратон 1403 || 29 нишинӣ) Зулҳиҷча 1445, як рӯз камтар то 1446), Кобул, Афғонистон.

Шоҳо! дарин бисот ҳузӯрат муборак аст

Хуршедвор, тобиши нӯрат муборак аст

Шоҳо! туйй усора-и мавҷӯди кайинот

Дар паҳна-и замона, зуҳӯрат муборак аст

Шоҳо! каломи ноби тӯ, чун чашма-и шифост

Бар ташнагон, оби ханӯрат муборак аст

Шоҳо! ба дили паёми дил-ангези ту хушаст

Иршоди ноби ҳамчу забӯрат муборак аст

Шоҳо! ба дашти сӯхта-дилон чун кунӣ гузар

Чун абри навбаҳор, мурӯрат муборак аст

Шоҳо! ки номи туст тилисми румузи ҳақ

Бар қалби муъминон, њубӯрат муборак аст

Шоҳо! ба ҳаққи, ҳаққи вилоят ки содиқ аст

Бар мухлисон, партави тӯврат муборак аст

Шоҳо! туйе ки назми диҳи ихтилоф ро

Бар мардумон, нафаси фақурат муборак аст

Шоҳо! ниёзманди дуъо-и тӯ «Собитӣ»ст

Зеро дуъо-и қалби сабурат муборак аст

شعر نوروز علی ثابتی به مناسبت 67 امین سالگرد به تخت نشینی نور مولانا شاه کریم الحسینی، حاضر امام (11 جولای مصادف به 67 امین سالگرد تخت نشینی) 06 جولای 2024 || 16 سرطان 1403 || 29 ذو الحجه 1445، یکروز کم به 1446)، کابل، افغانستان.

شاها! درین بساط حضورت، مبارک است

خورشیدوار، تابش نورت مبارک است

شاها! تویی عصاره‌ی موجود کاینات

در پهنه‌ی زمانه، ظهورت مبارک است

شاها! کلام ناب تو چون چشمه‌ی شفاست

بر تشنگان، آب خنورت مبارک است

شاها! به دل پیام دل‌انگیز تو خوش است

ارشاد ناب همچو زبورت مبارک است

شاها! به دشت سوخته‌دلان چون کنی گذر

چون ابر نوبهار، مرورت مبارک است

شاها! که نام تست طلسم رموز حق

بر قلب مؤمنان، عبورت مبارک است

شاها! به حق، حق ولایت که صادق است

بر مخلصان، پرتو طورت مبارک است

شاها! تویی که نظم دهی اختلاف را

بر مردمان، نفس فکورت مبارک است

شاها! نیازمند دعای تو «ثابتی»ست

زیرا دعای قلب صبورت مبارک است

امومت مہیٹ (روز امامت)

شعری غراء درخشان تر و بُرا تر از الماس، به مناسبت جشن الماسین (2018)، شصتمین سالروز به تخت نشینی) امام مولانا شاه کریم الحسینی، سروده شده است.

شعر از نوروز علی ثابتی

«ذیس اته بیو» ته مهش حسابے اس جولایهم
 جشنے «تهخت نیست» اموم آند خوشے بر پایهم
 نكنهم مهش به ریا، «مہیے امومت» تجلیل
 نر ته مهش منقبت اس شخصے اموم آر جایهم
 تو چس اس غرب خه چوچ «خیر امومت» نر پل
 وے مریدین یدپت درود بلندت بنایهم
 تا ابد رهبرے دین، نسلے محمد، قایم
 اس «حدیث ثقلین» مهش دے معنی بنایهم
 پینخ تن «آیت تطهیر» بیون کینت ذریه
 مهش دے جهت پیروے اس آل رسول الله یهم
 اس «کساء» گر تو خه بنایے، فریے پینخ تنے پاک
 مهش ته اس «حبل متین»، امومے حق معنا یهم
 پینخ تن وپف ثبوت «مباهله» یند بر حق
 مهرے «یاسین» دے جهت مهش خو داند خبن فایهم
 «انما» آیت اده، نزول در شونے علی
 مهش دے جهت پیروے اس شخصے ولی الله یهم
 «سوره یے کوثر» اگر سوڈ به باطن معنا
 اس «بتول» نسلے ته مهش خرد شفاعت خواه یهم،
 نوح پناه دادے خو کینتین دے خو امت یے زمون،
 کینتے یے نوحے زمون آرد کینون یکجایهم،
 نسلے بر نسل خه رست نورے امومت بر جای،
 «قوله» «ثابت» قته نر توغ اموم بالایهم
 دُروڈ بلندت بنایهم
 دُروڈ بلندت بنایهم
 یست مهشند یے دلیل
 دُروڈ بلندت بنایهم
 ید حدیث اند یے مثل
 دُروڈ بلندت بنایهم
 وے هدایت دایم
 دُروڈ بلندت بنایهم
 «أهل بیت» چهی دگه؟
 دُروڈ بلندت بنایهم
 به یقین ای چالاک
 دُروڈ بلندت بنایهم
 ید نینونے مطلق
 دُروڈ بلندت بنایهم
 خذایے لوفج وے خو ولی
 دُروڈ بلندت بنایهم
 فاطمه خیرے نساء
 دُروڈ بلندت بنایهم
 قودے نجات اس طوفون
 دُروڈ بلندت بنایهم
 آیتے «نور» تو بنای
 دُروڈ بلندت بنایهم

تحلیل شعر «امومت مېث» (روز امامت)

فُرم و یا قالب شعر: این شعر در قالب مستزاد سروده شده است، اما مصرع نهایی هر بیت، تکرار شده است، شکل نیمه ترجیع بند را هم بخود گرفته است.

وزن شعر: این شعر بر وزن بحر رجز مَثْمَن مرفوع مطووی مُسَكِّن (فاعلن مفتعلن مفتعلن مفعولن) سروده شده است.

آرایه های ادبی: از آرایه های ادبی زیر در این شعر کار گرفته شده است:
تمثیل، تلمیح، توریه، ایهام، دلیل و مدلول، کنایه، آیات قرآنی، احادیث نبوی.
آیات قرآنی و احادیث: از 13 آیت و 5 حدیث در این شعر اشاره رفته است.

تحلیل هر بیت:

«**دیس اته بیو**» ته مهش حسابے اس جولایهم

جشنے «**تأخت نیست**» اموم آند خوشے بر پایهم

«دیس اته بیو» به معنای «ده و یک» که یازده می شود

«جشنے تأخت نیست»، جشن تخت نشینی، مولانا شاه کریم الحسینی در 11 جولای 1957.

تو چس آس غرب خه چو رُج «**خیرے امومت**» نر پل، **ید حدیث اند یے مثل**

اشاره است به حدیث: طلوع الشمس من مغربها، یعنی طلوع کردن خورشید از مغرب.

عن ابن مسکان عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله تعالی: (یوم یاتی بعض آیات ربك ...) قال: اذا طلعت الشمس من مغربها، فکل من آمن فی ذلك الیوم لا تنفعه ایمانه.¹

ترجمه: از ابن مسکان از ابی جعفر (ع) در تفسیر آیت: (یوم یاتی بعض آیات ربك ...) ² روایت است که فرمودند: هنگامی که خورشید از مغرب خود طلوع کند، هرکس در این روز ایمان بیاورد ایمانش برای او سودی ندارد.

از تفاسیر اهل سنت:

عن ابوسعید الخدری عن النبی صلی الله علیه وآله فی قوله: (یوم یاتی بعض آیات ربك ...) قال طلوع الشمس من مغربها.

ترجمه: ابوسعید خدری از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده است که در تفسیر آیت: «یوم یاتی ...» فرمودند: منظور طلوع خورشید است از مغربش.

عن ابوهریره قال قال رسول الله صلی الله علیه وآله: لا تقوم الساعة حتی تطلع الشمس من مغربها، فاذا

¹ تفسیر المیزان جلد 7، صفحه 203؛ تفسیر قمی: جلد 1، صفحه 222.

² اشاره است به سوره انعام آیت 158: (یوم یاتی بعض آیات ربك لا ینفع نفسا ایمانها)

طلعت وراها الناس آمنوا اجمعون ، فذلك حين (لاينفع نفس ايمانها ...) ثم قرأ الايه³.

ترجمه: از ابوهريره روايت شده گفت: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: ساعت قيامت برپا خواهد شد تا آنگاه كه خورشيد از مغرب خود طلوع كند ، و چون خورشيد از مغرب طلوع كرد و مردم آن را ديدند همگي ايمان مي آورند ، اما اين هنگام (براي هيچ كس ايمان آوردنش فايده نخواهد داشت ... سپس حضرت آيه را خواندند. (يعني آيه 158 از سوره انعام) از نظر ما، نور امامت فعلاً از غرب طلوع کرده است.

تا ابد رهبري دين، نسله محمد، قايم، و عهدهايت دايم

اشاره به بيتي از مثنوي معنوي جلال الدين محمد بلخي است، كه گفته است:

تا به هر دوري امامي قايم است تا قيامت آزمائش دايم است

اس « حديث ثقلين » مهش دے معنی بنايهم

اشاره است به حديث ثقلين كه متنش اينست: اِنِّي تَارِكٌ فِىكُمْ التَّقْلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي. مَا اِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي أَبَدًا، فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ

ترجمه: بعد از خود، براي شما دو چيز سنگين مي گذارم كه كتاب خدا و عترت من از اهل بيت من هستند. اگر به آنها چنگ بزنيد هرگز گمراه نخواهيد شد. اين هر دو از هم جدا نخواهند شد تا اينكه در حوض كوثر بر من وارد شوند.

اين حديث شريف واضح مي سازد كه قرآن و امام مقارن هم اند. يعني تا زماني كه قرآن وجود داشته باشد، معلم آن هم از عترت پيغمبر بطور موازي با آن خواهند بود، تا اين شخص معلم، يعني امام و يا پيشوا، همان كتاب را براي امت مسلمة تفسير و تبين كند.

پينح تن « آيت تَطهير » بيون كينت ذريه، « اهل بيت » چهي دگه؟

مهش دے جهت پيروے اس آل رسول الله بهم، درود بلندت بنايهم

آيه تَطهير اشاره است به آيه 33، سوره الاحزاب.

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

ترجمه: جز اين نيست كه خدا (ج) مي خواهد تا شما را اي اهل بيت از هر پليدي پاك كند، تا پاك كند شما را پاك كردني.

از اُمّ سلمه زوجه رسول الله روايت است كه: فاطمه در خانه ام نشسته بود كه پيغمبر خدا وارد شد و برايش گفت شوهر و پسران تان را هم صدا كنيد. زماني كه علي، حسن و حسين، داخل شدند و نشستند، و خودش بالا تر نشست و علي پايان تر بود. اُمّ سلمه گفت: ما در آن حجره نشسته بوديم، و همين آيت تَطهير براي آن حضرت نازل شد. بعد گفت اين جامه خيبري خود را بالا كرد و بر سر دختر، داماد، و نواسه هائيش آنرا كشيده، و بعد با دست راستش بطرف آسمان اشاره كرد و گفت:

اللَّهُمَّ هُوَ أَهْلُ بَيْتِي وَ خَاصَّتِي، اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا.

³ تفسير الدر المنثور للسيوطي، جلد 3، صفحه 57.

ترجمه: بار خدایا! اینها اهل بیت من و خاصان من اند، پس آنها را از هر پلیدی پاک گردان، تا پاک گردند، پاک گردیدی.

آس «کساء» گر تو خه بنایه، فریه پینخ تنه پاک، به یقین ای چالاک

اشاره است به حدیث کساء (جامه). متن حدیث کساء اینست: به روایت ام سلمه را در بالا رجوع شود.

مهش ته اس «حبل متین»، امومه حق معنا بهم، درود بلندت بنایهم

اهل بیت (ع) حبل الله المتین و عروة الوثقی و امثال اینها توصیف شده اند و در این باب آیات بسیار است.

عروة الوثقی به معنای دستاویزی استوار، و حبل المتین به معنای ریسمان استوار است.

عروة الوثقی در آیه 256 سوره بقره (سوره 1) آمده است:

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.

ترجمه: در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه بخوبی آشکار شده است پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد به یقین به دستاویزی استوار که آن را گسستن نیست چنگ زده است و خداوند شنوای داناست

حبل المتین [ریسمان استوار] در قرآن نیامده است. ولی در روایات این عبارت هم در توصیف قرآن آمده است. امام علی در توصیف قرآن می فرماید:

علیکم بکتاب الله فإنه الحبل المتین

بر شما باد به کتاب خدا که ریسمان محکم و استواری است [که یک طرفش به دست خداست و طرف دیگرش به سوی شما تا آن را بگیرد و بالا روید و به خدا برسید].

امام علی (ع) خود را «حبل المتین» می نامد:

وأنا الحبل المتین

ترجمه: و من ریسمان محکم و استوار خدایم.

و همچنان حبل الله (ریسمان خدا) در آیه 103 سوره آل عمران (سوره سوم) آمده است:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ.

ترجمه: و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید پس میان دلهای شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید این گونه خداوند نشانه های خود را برای شما روشن می کند باشد که شما راه یابید.

پینخ تن وپف ثبوت «مباهله» یند بر حق، ید نبونیه مطلق

آیه مباهله: آیه 61 در سوره آل عمران که بنام آیه مباهله یاد می شود، صریحاً در مورد این پنج کس تأکید می کند.

و این واقعه چنین بوده است: ترسایان نجران از آن حضرت در مورد پیدایش حضرت عیسی (ع) سوال نمودند. ایشان جواب دادند که آفرینش عیسی (ع) مانند آفرینش آدم (ع) صورت گرفته که از خاک آفریده شده اند.

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ⁴

ترجمه: پس هر که منازعه کند با تو (در مورد عیسی)، بعد از آنکه برای تو دانش رسید، پس بگو: بیایید که بخوانیم، فرزندان خود را و فرزندان شما را، و زنان خود را و زنان شما را، و نفس های خود و نفس های شما را، پس همه به زاری دعا کنیم پس لعنت بر دروغ گویان خدا گوئیم.

پس آن حضرت (ص) برای پیشوای ترسایان نجران گفت، هر چند ما در حجت و دلیل می افزاییم، شما در کینه و منازعه می افزایید، اکنون بیایید مباحثت کنیم، یعنی بر یکدیگر نفرین بفرستیم تا خداوند دروغ گویان را روسیاه کند. آن حضرت با گروه نصارا زمان و مکان را مشخص کرد، و در روز مقرر، حضرت رسالت پناه، از جمله ابنا، یعنی، پسران، حضرت امام حسن و امام حسین را، و از جمله نسائنا، یعنی زنان، بی بی فاطمه الزهرا را، و از جمله انفسنا، امام علی را با خود برد، و از آنها خواست که من دعا می کنم، و شما آمین بگوئید. و چون اهل نجران آنها را در مقابل خود دیدند، از مباحثه صرف نظر نموده، و به صلح متوسل شدند.

مهرے « یاسین » دے جهت مہش خو دیند خبیں قایہم، درود بلندت بنایہم

در سورة صافات آیه 130 می فرماید: سلام علی آل یاسین.

از حضرت علی روایت است که در معنی اینکه آل یاسین کی است، گفته است. «سین» یکی از نام های محمد است، و «آل یاسین» ما هستیم.

پس آل محمد کیست که درود فرستادن بر ایشان برای قاطبه مسلمانان جهان فرض گردیده است؟ این آل او جز از طریق دختر او فاطمه، توجیه پذیر نمی باشد.

و همچنان برای مهر ورزیدن و دوست داشتن آل یاسین، یعنی اهل بیت پیغمبر، در سوره شوری، آیه 23 آمده است:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا.

ترجمه: بگو (ای محمد)، برای تبلیغ قرآن از شما هیچ مزدی را نمی خواهم، لیکن شما در دوستی خویشاوندان من پیشی گیرید. و هر که نیکی کند، بر حسن آن نیکی می افزایم.

از ابن عباس (رض) روایت است که: صحابه از آن حضرت (ص) پرسیدند که خویشان شما که محبت ایشان باید کرد، کی ها اند؟ ایشان فرمودند که: علی، فاطمه، و حسنین (یعنی امام حسن و امام حسین) رضوان الله علیهم اجمعین.

و درود فرستادن بر محمد و آل او بر مسلمانان فرض شده است.

⁴ إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ، خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ. در حقیقت حال عیسی در نزد خداوند مانند حال آدم است که او را از خاک آفرید، پس او را گفت، بشو، پس او شد. (آیه 61 سوره 3).

پیروی نمودن از اَسُوهُ آل رسول توجیه پذیر بوده و برای تمام گروندگان دین مبین اسلام فرض شده است. چنانچه او تعالی در قرآن کریم در سوره الاحزاب آیه 56 می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا.

ترجمه: به تحقیق خدای تعالی و فرشتگان او بر پیامبر درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید، سلام بر وی بفرستید، سلام بسیار.

و در حدیث آمده است که: لا تُصَلُّوا عَلَيَّ صَلَوةً بترَاء. یعنی برای من درود دم بریده مفرستید. اصحاب پسران نمودند که یا رسول الله، درود و یا صلوات دم بریده چیست. ایشان گفتند: کسی که بگوید « درود بر محمد »، و نگوید « و بر آل محمد »، یعنی بر اولاد من درود نفرستند، همانا درود دم بریده است

« إِنَّمَا » آیت اِدْءِ، نُزُولِ دَرِ شَوْنِ عَلِيٍّ، خَدَايِ وَءِ لَوْجِے خَوِّ وَلِيٍّ

مہش دے جہت پیروے اس شخصے ولی اللہ یہم، درود بلندت بناہم

اِنَّمَا، اشارہ است بہ آیہ 55، سورہ المائدہ (سورہ 5)، کہ در آن از حضرت علی توصیف شدہ کہ در وقت نماز کہ بہ رکوع رفتہ بہ سائل انگشتردہ خود را بخشیدہ است.

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ.

ترجمہ: ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی کہ ایمان آورده اند همان کسانی کہ نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند.

«سورہ بے کوثر» اگر سوڈ بہ باطن معنا، فاطمہ خیرے نساء

اس «بتول» نسلے تہ مہش خرد شفاعت خواہ یہم، درود بلندت بناہم

پس آل محمد کیست کہ درود فرستادن بر ایشان برای قاطبہ مسلمانان جہان فرض گردیدہ است؟ این آل او جز از طریق دختر او فاطمہ، توجیہ پذیر نمی باشد.

زمانی کہ عبد اللہ آخرین پسر باز ماندہ آن حضرت (ص) از خدیجہ وفات می کند، عاص ابن وائل خوشنود می شود، کہ از نسل محمد در جہان کسی نماند. و اورا ابتر یعنی دم بریدہ خطاب کرد. آنحضرت با شنیدن این خبر، خیلی متأثر شد، اما برای او سورہ «کوثر» نازل شد.

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ. ترجمہ. بہ تحقیق من برای شما اعطا نمودم کوثر را.

کوثر، از فعل «كَثَرَ» اشتقاق یافته، و معنای آن «زیاد، افزونی، و کثرت» است. نظر بہ تفسیر علمای شیعی، بطور عموم، کوثر، لقب حضرت بی بی فاطمہ الزہرا است. یعنی خداوند، برای آن حضرت (ص) مژدہ دادہ است، کہ تو دم بریدہ نیستی، و من برای شما کوثر را اعطا کردم، یعنی دارنده فرزندان زیاد، کہ همانا بی بی فاطمہ است، و نسل شما در جہان پایدار خواہد ماند، و در حقیقت دشمن شما کہ همانا عاص ابن وائل است، دم بریدہ خواہد بود.⁵

5 نَا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ﴿١﴾ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَخَّرْ ﴿٢﴾ إِنَّ شَابِيكَ هُوَ الْأَبْتَرُ. در تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، تألیف علامہ سید محمد حسین طباطبایی در ذیل تفسیر ثورہ کوثر.

آثار اقتدار تو تا حشر مُثَصِّل = خصم سیاه روی تو بی حاصل و خجل⁶

و به همین سبب، اعضای خانواده بی بی فاطمه (سلام الله علیها)، به نام «آل محمد» و یا «اهل بیت» یاد می شود، و ایشان اند که از هر رجس و پلیدی مصئون و معصوم هستند. چنانکه خداوند (ج) در سوره الاحزاب آیه 33 فرموده است.

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً

ترجمه: جز این نیست که خدا (ج) می خواهد تا شما را ای اهل بیت از هر پلیدی پاک کند، تا پاک کند شما را پاک کردنی.

همچنان، خداوند، در روز رستاخیز هر گروه را با امام و یا پیشوای شان میخواند تا در باره عملی که انجام داده اند، پاسخگو باشند. اشاره است به آیه 71، سوره الاسراء (سوره 17):

يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا.

ترجمه: روزی که هر گروهی را با پیشوای شان فرا می خوانیم پس هر کس کارنامه اش را به دست راستش دهند آنان کارنامه خود را می خوانند و به قدر نخط هسته خرمایی به آنها ستم نمی شود.

نوح پناه دادے خو کبنتین دے خو اُمت ے زمون، فودے نجات اس طوفون

کبنتے ے نوحے زمون اُرد کبنون یکجایهم، درود بلندت بناایهم

اشاره است به آیات 37 تا 49 در سوره هود (سوره 11) در باره ساختن کشتی نوح و پناه آوردن به آن از شر غرق شدن.

وَأَوْحِي إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ. وَاصْنَعِ الْفُلَکَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّعْرِضُونَ.

ترجمه: و به نوح وحی شد که از قوم تو جز کسانی که [تاکنون] ایمان آورده اند هرگز [کسی] ایمان نخواهد آورد پس از آنچه می کردند غمگین مباش. و زیر نظر ما و [به] وحی ما کشتی را بساز و در باره کسانی که ستم کرده اند با من سخن مگوی چرا که آنان غرق شدنی اند.

متن حدیث سفینه:

إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ؛ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ

ترجمه: مثل اهل بیت من بر شما مانند کشتی نوح است، اگر کسی بر آن سوار شود (یعنی اگر به اهل بیت من تمسک جوید) نجات می یابد، و اگر کسی از سوار شدن بر آن تخلف کند، هلاک می گردد.

نسل بر نسل خه رست نورے اِؤمت بر جای، آیتے « نور » تو بنای

⁶ تفسیر حسینی در ذیل تفسیر سوره کوثر.

اشاره است به آیت نور (آیه 35 سوره النور (سوره 24)): تسلسل نور، و یا نور بالای نور. نور علی نور..

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاهٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.

ترجمه: خدا نور آسمانها و زمین است مثل نور او چون چراغانی است که در آن چراغی و آن چراغ در شیشه ای است آن شیشه گویی اختری درخشان است که از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی است و نه غربی افروخته می شود نزدیک است که روغنش هر چند بدان آتشی نرسیده باشد روشنی بخشد روشنی بر روی روشنی است خدا هر که را بخواهد با نور خویش هدایت می کند و این مثلها را خدا برای مردم می زند و خدا به هر چیزی داناست.

﴿قوله « ثابت »﴾ قته نر توغ اموم بالايهم، درود بلندت بنايهم

آیت «قول ثابت»، سوره ابراهیم آیات 24 تا 27 در مورد بارور بودن درخت نبوی و میوه دادن آن در هر عصر و روزگار فرموده است.

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ. تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ. وَمِثْلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ. يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ.

ترجمه: آیا ندیدی خداوند (ج) چگونه مثلی بیان کرد؟! سخن پاکیزه را مانند درخت پاکیزه که ریشه اش استوار و شاخ اش بر آسمان می باشد. و در هر زمانی به امر پروردگار خویش میوه می دهد، و خداوند اینرا مثالی زد برای مردمان تا بود که پند پذیر شوند. و مثل سخنی ناپاک چون درختی ناپاک است که از روی زمین کنده شده و قراری ندارد. خدا کسانی را که ایمان آورده اند در زندگی دنیا و در آخرت با سخن استوار ثابت می گرداند و ستمگران را بی راه می گذارد و خدا هر چه بخواهد انجام می دهد.

ناصر خسرو داعی، متفکر و فیلسوف نامی اسماعیلی در کتاب وجه دین در معنای این آیات چنین گفته است:

« ... و بدین درخت خوش مر رسول را همی خواهد که بیخش استوار است که دشمنان دین ویرا بر نتوانند کنند، و شاخش فرزندان او که بر آسمان پیوسته اند از راه پذیرفتن تأیید از عالم علوی، و بهر وقتی بار حکمت بفرمان خدای تعالی بخلق همی رسانند. و هر که این مثل بداند دست در آن درخت زند، و از آن درخت بخورد، زندگی جاوید در آنست.»⁷

در بیت آخر، از آرایه ادبی ایهام کار گرفته شده است.

ایهام در لغت به معنای در شک و گمان افگندن را گویند. اما در اصطلاح علم بدیع، آوردن عبارتی است با حداقل دو معنی مناسب با کلام، که یکی نزدیک به ذهن و دیگری دور از ذهن است، و یا دارای

⁷ وجه دین، ناصر خسرو، گفتار اول، کتابخانه طهوری، چاپ دوم، تهران 1348، صص. 11 - 12.

دو معنی یکی قریب و دیگری بعید به نظر رسد. و مراد شاعر، همیشه از آن اشاره بعید و یا دور از ذهن است.

در بیت آخر از عبارت «قول ثابت» کار گرفته شده که معنی قریب آن، قول ثابتی را می‌رساند که این شعر را «ثابتی» سروده است، و می‌تواند قول و سخنش باشد، اما معنی بعید آن اشاره به عبارتی در آیه قرآنی است، آیه 27 در سوره ابراهیم است.